



الگوی جدید از بانکداری اسلامی (1)

پدیدآورده (ها) : موسویان، سید عباس
اقتصاد :: تازه های اقتصاد :: تیر 1379 - شماره 90
از 70 تا 74

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/615236>

دانلود شده توسط : رحمان قاسمی
تاریخ دانلود : 28/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



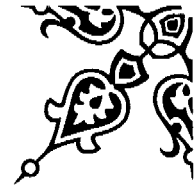
پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



الگوی جدید از

بانکداری اسلامی (۱)



حجت الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان*

مقدمه

امروزه بانکداری یکی از با اهمیت ترین بخشهای اقتصادی به شمار می آید. بانکها با سازماندهی و هدایت دریافتها و پرداختها امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصاد می گردند از طرف دیگر با تجهیز پس اندازهای ریز و درشت و هدایت آنها به سمت بنگاههای تولیدی و تجاری اولاً سرمایه های راكد و احياناً مخرب اقتصادی را تبدیل به عوامل مولد می کنند، ثانياً دیگر عوامل تولید را که به جهت نبود سرمایه بیکار یا با بهرهوری پایینی کار می کردند به سمت اشتغال کامل با بهرهوری بالا سوق می دهند. و بالاخره بانکها به عنوان یکی از عوامل مهم سیاستهای پولی مجریانی برای تصمیمات اقتصادی بانکهای مرکزی می باشند، با قبض و بسط اعتبارات بانکی و هدایت وجوه از بخشی به بخش دیگر، گذشته از تثبیت اقتصاد در سطح کلان به تنظیم بخشهای اقتصادی نیز می پردازد.

البته باید توجه داشت بانکداری سنتی در عین حال که قابلیت برای چنین خدماتی دارد، به جهت تبعیت از نظام بهره غالباً وسیله ای استعماری در دست طبقه ای بر علیه دیگران است. زمانی که اشراف و ثروتمندان ترجیح می دهند اموال و داراییهای خود را به صورت پس اندازهای نقدی نگهدارند بانکها با بالا بردن نرخهای بهره آنها را جذب کرده، در اختیار مؤسسات تولیدی و تجاری می گذارند و بدین طریق حاصل دسترنج آنان را غارت کرده و در اختیار پولداران می گذارند و در موارد زیادی موجب ورشکستگی می شوند، در مواردی که افشار کم درآمد و متوسط جامعه خصوصاً بازنشستگان و از کارافتادگان به نوایی رسیده و پس اندازی کسب کرده اند و از طرفی ثروتمندان و اشراف داراییهایشان را به شکل کارتلها و تراستها و شرکتهای انحصاری و چند ملیتی در آورده اند بانکها با کنترل نرخ بهره سرمایه های انبوه و ارزان قیمت برای صاحبان ثروت فراهم می کنند.

بانکداری اسلامی با حذف بهره به عنوان متغیری برونزا^۱ از فعالیتهای اقتصادی، مؤسسات پولی و بانکی را تغییر ماهیت داده و از بنگاههای صرف گردش وجوه و غیر حساس نسبت به عملکرد اقتصاد به عناصری ((درونزا)) فعال و حساس در مقابل تحولات اقتصادی تبدیل می کند و بدین ترتیب با حفظ تمام امتیازات بانکداری سنتی، برای صاحبان پس انداز و سرمایه گذاران روشی انسانی همراه با سود عادلانه پیشنهاد می کند.

در این مقاله با الهام از تجربیات عملی و نظری بانکداری سنتی و دقت در نقاط ضعف و قوت بانکداری بدون ربا ایران و دیگر الگوهای بانکهای اسلامی کشورهای مختلف و با استفاده از طرحهای پیشنهادی اندیشمندان پولی و بانکی و اقتصاددان مسلمان، الگوی تازه ای از بانکداری اسلامی ارائه می گردد که در آن سعی شده است ویژگیهای زیر مورد توجه قرار گیرد.

۱- علاوه بر انطباق ظاهری با فقه اسلامی، حقیقتاً خالی از حاکمیت نظام بهره باشد.

۲- کارایی لازم برای فعالیتهای بانکی خصوصاً تأمین سرمایه برای بخشهای مختلف اقتصادی را داشته باشد.

۳- مشکلات بانکداری بدون ربا را نداشته قابلیت لازم برای اعمال سیاستهای پولی را داشته باشد.

۴- در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد.

لکن قبل از توضیح الگوی مورد نظر اصول و معیارهایی که باید در الگوهای بانکداری اسلامی مورد توجه قرار گیرد ارائه می گردد و با توجه به آنها برخی از الگوهای پیشنهاد شده از سوی محققان، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

اصول و معیارهای حاکم بر بانکداری اسلامی

۱- اصل سود

کسب سود و درآمد از اندوخته های مالی حق شرعی و عقلایی هر فرد است علاوه بر این رعایت اصل سود در معاملات بانکی یک ضرورت اقتصادی است برای توضیح بیشتر مسأله سود را از دو جهت مورد مطالعه قرار می دهیم.

کسب سود از نظر اسلام

اسلام نه تنها استفاده از اموال و سرمایه گذاری را نشانه ایمان^۱ و جوانمردی^۲ و بی نیازی^۳ دانسته و راكد گذاشتن آن را مذموم^۴ می شمارد توجه به کیفیت به کارگیری اموال نیز داشته و تخصیص بهینه منابع را مد نظر دارد به طوری که امام صادق (ع) در روایتی می فرماید:

'به درستی که بقای اسلام و مسلمین در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را می دانند و می توانند به نحو صحیح از آن استفاده کنند و همانا فنای اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد که حق آن را نمی شناسند و نمی توانند به روش صحیح از آنها بهره برداری کنند.'^۵



پولی و مالی سر در می آورند و بانک از یک بنگاه فعال اقتصادی که نقش‌های مهمی ایفا می‌کند به یک مؤسسه خیریه تبدیل می‌شود و در همان حد مفید خواهد بود.

۲- اصل کارایی

نظامی که جایگزین بهره می‌شود علاوه بر اینکه برای آن دسته از سپرده‌گذاران بانک که به دنبال سود و درآمد هستند سود تأمین می‌کند بایستی از جهت کمیت و کیفیت سوددهی و از جهت نحوه تخصیص منابع کارا باشد. اگر نظام بانکی در تجهیز پس‌اندازها کارا عمل نکند و نتواند برای سپرده‌گذاران سود مورد قبول تدارک کند معمولاً پس‌اندازهای بزرگ راهی بازارهای مالی خارج از کشور شده و پس‌اندازهای متوسط و کوچک به بازارهای غیرقانونی و غیر رسمی ربا با بهره‌های بالا کشیده می‌شود.

کما این که از جهت تخصیص منابع اگر نظام بانکی نتواند کارا عمل کند یا در اثر بالا بودن هزینه استفاده از تسهیلات، با مازاد منابع مواجه می‌گردد و یا به خاطر پایین بودن هزینه استفاده از تسهیلات با فشار تقاضا مواجه شده توان برنامه‌ریزی و تخصیص بهینه منابع را از دست می‌دهد در نتیجه معیارهای اقتصادی در گزینش طرح‌های سرمایه‌گذاری جای خود را به روابط شخصی و نظم و ترتیب اداری می‌دهد.

بر این اساس است که معتقدیم ((نظریه تعدیل سپرده‌ها و اعتبارات بر اساس نرخ تورم)) نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای نظام بهره باشد، این نظریه بر اساس تعریف خاصی از ربا طراحی شده و ارایه کنندگان آن معتقدند پرداخت بهره به میزان کاهش ارزش پول از طرف گیرندگان اعتبارات به بانکها و از بانکها به سپرده‌گذاران ربا نیست چون ربا زمانی پیش می‌آید که همراه قرض منفعتی در کار باشد و جبران کاهش ارزش پول در اثر تورم، منفعت نیست.^۷

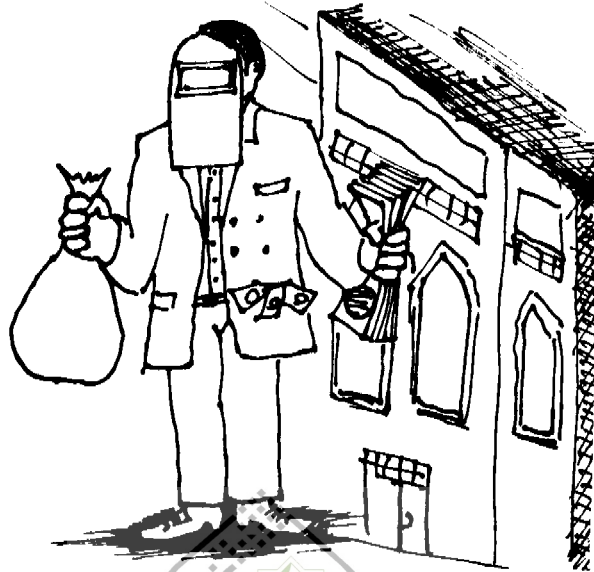
این نظریه بر فرض هم از جهت موازین فقهی صحیح باشد (که چنین نیست) نمی‌تواند به نحو کارا نظام بانکی را اداره کند. و با اشکالات زیر مواجه است:

الف- این نظریه تنها در شرایط تورمی کاربرد دارد و در غیر آن همان نظریه قرض‌الحسنه می‌باشد.

ب- این نظریه تنها برای کسانی جذابیت دارد که دارای این خصوصیات باشند که اولاً نتوانند پس‌انداز خود را از کشور خارج کرده در بانکهای خارجی سپرده‌گذاری کنند ثانیاً توان خرید و نگهداری کالاهای بادوامی که می‌توانند ارزش دارایی وی را حفظ کنند ندارند. به عبارت دیگر این نظریه موجب می‌شود بخش عظیمی از پس‌اندازها راهی خارج از کشور یا بازارهای غیر رسمی و یا بازارهای کالاهای بادوام گردد که هر سه موجب اختلال نظام اقتصادی جامعه می‌گردد.

علاوه بر تأیید و تأکید بر امر سرمایه‌گذاری که تأیید سود و درآمد است خود سود مستقلاً مورد توجه بوده و مورد ترغیب قرار گرفته است گویاترین مطلب در این زمینه کلام و کردار امام صادق (ع) می‌باشد.

عذافر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان هزار و هفتصد دینار در اختیار من قرار دادند و فرمودند: با این اموال برای من تجارت کن، سپس فرمودند: ای عذافر اگر چه سود یک امر پسندیده و مرغوبی است لکن من (به عنوان امام) رغبتی در آن سود ندارم لکن دوست دارم که خداوند ببیند من این اموال را در معرض سوددهی قرار داده‌ام. عذافر می‌گوید: از طریق آن اموال صد دینار سود بردم، و به حضرت خبر دادم ایشان خیلی خوشحال شدند و فرمودند آن را به سرمایه‌ام اضافه کن^۸



بنابراین از نظر اسلام هر فرد مسلمانی حق دارد از طریق اموال و پس‌انداز خویش دنبال کسب سود و درآمد باشد و این کار نه تنها مذموم نیست بلکه مطابق روایات امری پسندیده و مرغوب است. البته چنانچه بعداً توضیح می‌دهیم این مطلب منافاتی با این ندارد که مسلمانی برای رسیدن به اجر و ثواب معنوی و اخروی بخشی یا همه اموال خود را به برادر مؤمنش قرض‌الحسنه داده و یا انفاق کند و از سود مادی صرف‌نظر نماید.

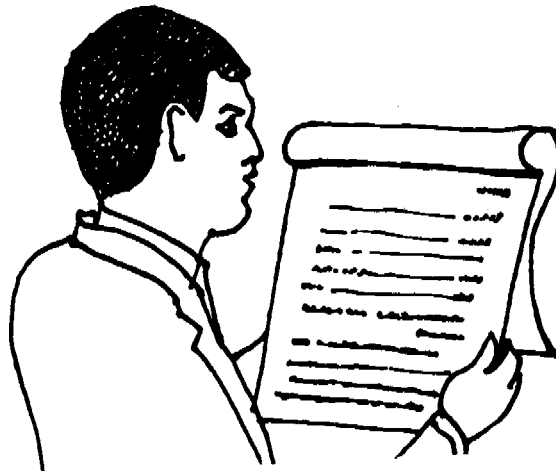
ضرورت اقتصادی سود بانکی

در بانکداری سنتی پرداخت بهره برای سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار باعث جذب پس‌اندازهای مردم به سمت بانکها و مؤسسات پولی غیر بانکی می‌گردد کما اینکه دریافت بهره از متقاضیان اعتبارات بانکی باعث تعدیل آنها می‌گردد اگر بهره حذف شود و هیچ نوع سودی در کار نباشد از یک سو منابع بانک به شدت کاهش می‌یابد چون به فرض هم اصل پس‌انداز مردم تابعی از بهره و درآمد ناشی از پس‌انداز نباشد نحوه نگهداری پس‌انداز تحت تأثیر آن است در نتیجه مردم یا اصلاً پس‌اندازشان را به بانک نمی‌دهند و یا نهایتاً در حسابهای جاری که کمتر قابل برنامه‌ریزی است نگهداری می‌کنند از سوی دیگر با حذف بهره و سود تقاضای تسهیلات به میزان زیادی افزایش می‌یابد چون هر تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ای حاضر است از این منابع کمیاب و مجانی استفاده کند.

بر اساس این مطالب است که ((نظریه قرض‌الحسنه)) نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای ((نظام بهره)) باشد چرا که در قرارداد قرض‌الحسنه، بر فرض هم بانک هزینه‌های خود را تحت عنوان ((کارمزد))^۹ از متقاضیان تسهیلات بانکی دریافت کند سودی برای صاحبان سپرده نخواهد داشت در نتیجه تنها گروه اندکی از مردم آن هم بخشی از اموالشان را برای رسیدن به اجر و ثواب اخروی در بانک سپرده‌گذاری خواهند کرد و بقیه پس‌اندازها از دیگر بازارهای



ج- از آنجایی که هزینه واقعی استفاده از تسهیلات بانکی در این نظریه برابر صفر است بانک با خیل عظیمی از متقاضیان تسهیلات مواجه خواهد شد که توان جوابگویی به آنها را ندارد در نتیجه سیستم نظم و ترتیب اداری جایگزین معیارهای سوددهی اقتصادی خواهد شد. کما اینکه نظریه (وام متقابل مدت‌دار) به جهت عدم کارایی نمی‌تواند جایگزین مناسبی باشد طبق این نظریه سپرده‌گذار می‌تواند با توجه به مدت و مبلغ سپرده‌گذاری، از بانک وام دریافت



خدماتی سرمایه‌گذاری مستقیم کند و در آخر دوره مالی سود آن فعالیتها را متناسب با حجم سپرده‌ها بین صاحبان سپرده تقسیم کند.^{۱۱} این نظریه اگر چه از جهت معیارهای شرعی و اقتصادی شاید بهترین نظریه است لکن از این جهت که منابع بانک تبدیل به دارایی‌های حقیقی می‌شود که تبدیل آنها به پول نقد، هزینه‌بر و زمان‌بر است نمی‌تواند جوابگویی مراجعات احتمالی سپرده‌گذاران باشد. البته با اصل دیگری نیز منافات دارد که در جای خود اشاره می‌کنیم.

۴- اصل فراگیر بودن معاملات

خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی که با مازاد پولی مواجه می‌شوند به اهداف مختلف آنها را در بانک نگهداری می‌کنند گاهی هدف حفظ کوتاه مدت آن است تا در معاملاتی استفاده کنند و یا از بابت بدهی و یا به هر دلیلی به کسی واگذار کنند گاهی هدف نگهداری میان مدت آن است تا در حوادث یا معاملات پیش‌بینی نشده استفاده کنند و گاهی هدف حفظ بلند مدت آن به عنوان سرمایه نقدی و استفاده از درآمد آن است در نقطه مقابل خانواده‌ها و مؤسسات اقتصادی که با کمبود پول مواجه می‌شوند گاهی جهت خرید مسکن، کالاهای بادوام و یا دیگر ضروریات مصرفی تقاضای وام می‌کنند زمانی به عنوان سرمایه و برای تبدیل به کالاهای سرمایه‌ای نیاز به پول دارند و این نیاز گاهی به صورت کوتاه مدت و مقطعی است زمانی میان مدت و یا بلند مدت است کما این که از جهت مقدار گاهی نسبت به سرمایه بنگاه قابل توجه است و زمانی اندک و جزئی است.

بانکداری سنتی با استفاده از نظام بهره چه در جانب جذب سپرده‌ها و چه در جانب اعطای اعتبارات توانسته به نحو فراگیر تمام اهداف و نیازها را پوشش دهد به این بیان که در جانب تجهیز منابع با طراحی حسابهای جاری، پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار اهداف صاحبان وجوه مازاد را تامین کرده و در جهت اعطای تسهیلات نیز با قطع نظر از غرض متقاضی، به او وام با بهره می‌دهد.

بنابراین لازم است نظامی که می‌خواهد جایگزین بهره شود چه از جهت عرضه‌کنندگان و چه از جهت متقاضیان وجوه فراگیر باشد. شایان ذکر است که در نظام اسلامی علاوه بر اهداف مذکور هدف دیگری نیز برای برخی صاحبان وجوه مطرح است و آن رسیدن به اجر و ثواب معنوی اعطای قرض الحسنه است و از آنجایی که بعضی از این افراد نمی‌خواهند مستقیماً درگیر پرداخت و دریافت آن باشند وجود مؤسساتی چون بانکها یا صندوقهای قرض الحسنه که عهده‌دار گردش این وجوه باشد کارساز خواهد بود. کما این که در نظام اسلامی یکی از مسؤولیتهای دولت حمایت از اقشار مستضعف و آسیب‌پذیر جامعه است و یکی از اشکال این حمایت اعطای قرض الحسنه به آنان است بانکها و صندوقهای قرض الحسنه به جهت برخورداری از شعبات گسترده و دارا بودن ابزارهای مناسب پرداخت و دریافت بهترین مجری برای

کند این بانک از یک طرف قرض بدون بهره می‌گیرد و از طرف دیگر بعد از گذشت مدتی به همان افراد متناسب با سپرده بانکی آنان وام بدون بهره می‌پردازد و برای تامین هزینه‌های خود کارمزد می‌گیرد.^{۱۲} روشن است که این نظریه در عصر حاضر که صاحبان پس‌انداز و استفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی غالباً دو گروه کاملاً مجزا از هم هستند و اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند نمی‌تواند جوابگو باشد و تنها برای وام‌های کارگشایی میان دوستان و خویشاوندان مفید است.

۳- اصل نقدینگی

صاحبان سپرده‌های بانکی به دلایل مختلف گاه و بیگاه به بانک مراجعه کرده مطالبه وجوه خود را دارند بانکداران سنتی برای جوابگویی به مراجعات احتمالی تدابیر مختلفی اتخاذ می‌کنند که اهم آنها عبارتند از:

نگهداری ذخایر احتیاطی و قانونی، اختصاص بخشی از منابع به اعتبارات کوتاه مدت، خرید و فروش اوراق بهادار با نقدینگی بالا، تغییر دادن نرخهای بهره سپرده‌های مختلف و جایجایی وجوه از حسابهای جاری به مدت‌دار و بالعکس و در دهه‌های اخیر استفاده از بازارهای ثانوی خرید و فروش گواهی‌های سپرده.^{۱۳}

بانکداران نظام سرمایه‌داری با استفاده از ترکیبی از تدابیر فوق عرضه و تقاضای وجوه را مدیریت کرده برای مراجعات احتمالی سپرده‌گذاران آماده‌اند، بنابراین نظامی که به عنوان جایگزین بهره ارائه می‌شود بایستی به اصل مهم نقدینگی توجه داشته باشد والا با تملل در پرداخت اولین مراجعات، بانک اعتبار خود را نزد سپرده‌گذاران از دست داده کار به ورشکستگی و تعطیلی می‌کشد. براساس این اصل است که معتقدیم در تحلیل بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران رابطه حقوقی و کالت که در سپرده‌های بلند مدت به کار گرفته می‌شود در شرایط کنونی اقتصاد، نقدینگی لازم را ندارد چرا که این رابطه حقوقی قابلیت برای تغییر دادن و تنظیم مجدد نسبت‌های سود بانکی و ایجاد بازار ثانوی برای سپرده‌های مدت‌دار ندارد.

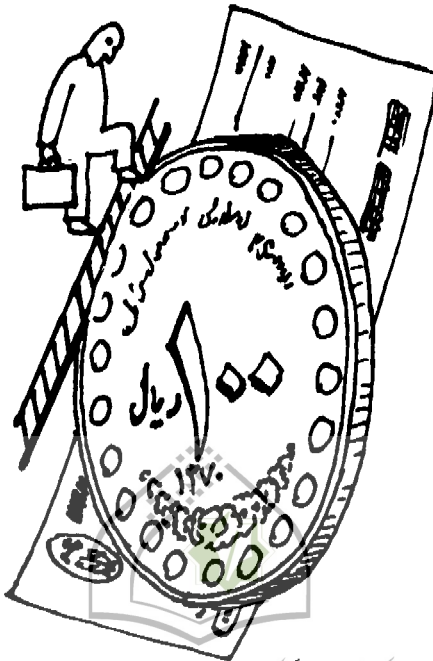
همینطور بر اساس همین اصل نظریه ((سرمایه‌گذاری مستقیم)) نیز نمی‌تواند جایگزین کاملی از نظام بهره باشد، برخی از اندیشمندان مسلمان در طراحی بانکداری اسلامی پیشنهاد کرده‌اند بانک همانند شرکت سرمایه‌گذاری سپرده‌های ریز و درشت مردم را جمع کرده در فعالیتهای تولیدی و تجاری و



مشتریان و چه بسا برای کارگذاران بانک ناشناخته است چگونه می‌تواند مؤسسه‌ای به نام بانک را اداره کند در حالی که روزانه هزاران معامله پولی و مالی در آن صورت می‌گیرد.

۶- اصل اجتناب از حقیقت بهره

چنانچه می‌دانیم محور اصلی معاملات بانکهای سنتی نظام بهره است و معلوم است که نرخ بهره در بازارهای واقعی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رفتارهای بورس بازنه و توأم با احتکار سرمایه است و این باعث می‌شود حتی در کشورهای پیشرفته از یک رقم مشخص پایین‌تر نیاید برای مثال در آلمان در مدت بیش از بیست سال نرخ بهره بانکی به کمتر از هفت درصد کاهش پیدا نکرده در حالی که خیلی از سالها رشد تولید ناخالص ملی آلمان کمتر از سه درصد و گاهی کمتر از یک درصد بوده است^{۱۲} اگر از این واقعیت هم بگذریم، حتی در ایده‌آل‌ترین نظریه بهره که از آن کلاسیکهای خوشبین است و معتقدند نرخ بهره صددرصد حاکی از اقتصاد واقعی است و از تقاطع میل نهایی به پس‌انداز و بازدهی نهایی سرمایه به دست می‌آید باید قبول کرد که این حرف بر فرض هم صحیح باشد (که نیست) نسبت به اقتصاد در زمان حال است اما نسبت به سالهای آینده خصوصاً در مورد بنگاهی که می‌خواهد با اعتبار بانکی سرمایه‌گذاری کند کاملاً برون‌زا است تولید کننده‌ای که با گرفتن وام چند ساله با نرخ بهره معین اقدام به



چنین حمایتی خواهند بود، در نتیجه بانک اسلامی علاوه بر اهداف و نیازهای متعارف در تمام جوامع اهداف و نیازهای دیگری را نیز پوشش می‌دهد.

براساس همین اصل معتقدیم نظریه ((سرمایه‌گذاری مستقیم)) یا نظریه ((مشارکت))^{۱۱} نمی‌توانند جایگزین کاملی برای نظام بهره باشند چرا که طبق نظریه اول بانکها به بنگاههای بزرگ سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شوند که کلیه منابع را خود سرمایه‌گذاری می‌کنند و جوابی برای خانوارها و بنگاههای نیازمند به وجوه ندارند و اما نسبت به نظریه دوم، اگر چه عقد شرکت بعد از سرمایه‌گذاری مستقیم بهترین رابطه حقوقی از جهت شرع و اقتصاد است و شامل تمام بخشهای کشاورزی، صنعت، خدمات و تجارت می‌گردد لکن اولاً اختصاص به نیازهای سرمایه‌گذاری دارد جوابگوی بسیاری از نیازهای مصرفی خانوارها به وجوه نیست ثانیاً این نظریه تنها در مواردی که صاحب بنگاه اقتصادی به میزان قابل توجهی آن هم برای مدت زمان طولانی احتیاج به سرمایه نقدی دارد کاراست اما برای نیازهای مقطعی، کوتاه مدت و جزئی نسبت به سرمایه بنگاه جوابگو نیست.

۵- اصل روان بودن معاملات

غالب معاملات بانکهای سنتی یا از نوع ارایه خدمات در مقابل کارمزد بانکی است و یا از نوع قرض با بهره می‌باشد و این دو در طول تاریخ انسان پیوسته در روابط مبادلاتی مردم حضور داشته و برای همگان شناخته شده است به این جهت

معاملات بانکهای سنتی چه در مرحله قوانین بانکی و چه در مرحله آیین نامه‌های اجرایی کاملاً روشن و قابل فهم برای بانک و مشتری است. روان نبودن معاملات، قابل فهم نبودن عقود بانکی، شفاف نبودن حقوق بانک و مشتری باعث رکود و کندی چرخش وجوه و در نتیجه موجب ناکارآمدی و عدم استفاده به هنگام از منابع می‌گردد، یکی از اشکالاتی که پیوسته در تمام سمینارها و مصاحبه‌ها برای بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران وارد می‌کنند (که به حق هم وارد است) پیچیده بودن قوانین و آیین نامه‌های اجرایی عقود بانکی است به طوری که طبق یک نظر سنجی (تنها ۲۹/۷ درصد از مراجعان و تنها ۵۵/۸ درصد از کارمندان بانک آشنایی اجمالی و بسیار محدود نسبت به قانون عملیات بانکی بدون ربا دارند و از هر ۱۰۰ نفر مراجعه کننده ۶۷ نفر هیچ‌گونه تفاوتی بین بهره و سود بانکی نمی‌شناسند.)^{۱۳} رییس سابق بانک مرکزی در این باره می‌گوید: ((این مطلب - تفهیم عقود بانکی - چیزی نیست که در خلال یکسی دو سال آن هم فقط با تبلیغات یا روابط عمومی یک سازمان یا یک ارگان بتوان اجرا کرد، این به بسیج همگانی رسانه‌های رسانه‌های ما نیاز دارد.))^{۱۴}

البته عامل این پیچیدگی چیست در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است، چیزی که این جا لازم است بیان شود این است که روابط حقوقی که بعد از گذشت بیش از پانزده سال از اجرای قانون بانکداری بدون ربا هنوز برای

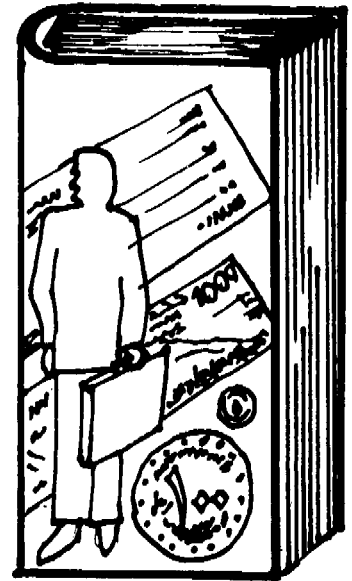
سرمایه‌گذاری می‌کند پرداخت هزینه مشخص و قطعی را متعهد شده که هیچ ارتباطی به شرایط اقتصادی جامعه در سالهای آینده و به میزان موفقیت بنگاه مربوطه ندارد و این رابطه حقوقی بین کارفرما و صاحب سرمایه آثار سوء اجتماعی و اقتصادی متعدد درونی دارد که به خاطر آنها دین مقدس اسلام همانند سایر ادیان الهی نظام بهره را تحریم کرده و از آن به عنوان ((ظلم))^{۱۵}، ((سحت))^{۱۶}، ((اکل مال بباطل))^{۱۷} ((بدترین شغلها))^{۱۸} و ((خبیث‌ترین راههای کسب درآمد))^{۱۹} یاد کرده، ((عامل به آن را دشمن خدا و رسول خدا می‌داند))^{۲۰} و ((رباخوار و ربا دهنده و نویسنده قرارداد و شاهد های آن را لعنت می‌کند.))^{۲۱}

روشن است اگر بخواهیم از بی‌آمدهای سوء اجتماعی و اقتصادی نظام بهره و از تهدیدهای شدید شرعی در مورد آن نجات یابیم لازم است حقیقت بهره را کنار گذاشته رابطه حقوقی دیگری بین صاحبان کار و سرمایه پیدا کنیم که آثار اجتماعی و اقتصادی را نداشته باشد براساس همین اصل است که معتقدیم عقود همانند ((فروش اقساطی)) بر فرض هم از نظر فقهی حلال باشد و در بازار کالاها و خدمات آثار مثبتی داشته باشد در ارتباط با بازار سرمایه و در تنظیم رابطه حقوقی صاحبان کار و سرمایه دقیقاً همان حقیقت بهره را دارد و همان آثار سوء اجتماعی و اقتصادی را به دنبال خود می‌آورند. بنابراین برای سامان دادن نظام بانکی جدید بایستی از روابط حقوقی استفاده کرد که علاوه بر جواز فقهی از حقیقت بهره دور باشد تا بتواند اهداف اقتصادی اسلام خصوصاً عدالت توزیعی را تحقق بخشد.



۷- اصل قابلیت برای سیاست پولی

امروزه بانکها فراتر از نگاه‌های اقتصادی مطرحند و نقش مهمی در تنظیم متغیرهای کلان اقتصادی دارند. بانکهای مرکزی با استفاده از ابزارهای به وجود آمده در سایه نظام بهره حجم پول و نرخ بهره را تغییر داده روی سرمایه‌گذاری، اشتغال، سطح عمومی قیمتها، تراز پرداختهای خارجی و دیگر متغیرهای اقتصادی اثر می‌گذارند، تغییر نرخ تنزیل مجدد و خرید و فروش اوراق قرضه از ابزارهای مهم سیاست پولی به حساب می‌آید که هر دو از نظام بهره تبعیت می‌کنند با حذف بهره تنها ابزار مهم تغییرات، نرخ ذخیره قانونی است که اولاً در کوتاه مدت جواب نمی‌دهند ثانیاً این ابزار بر مبنای حذف بخشی از منابع بانک استوار شده که اعمال بیشتر آن کارایی بانکهای تجاری را پایین می‌آورد.



با حذف بهره اگر چه تا حدی از ادوار تجاری کاسته می‌شود و در نتیجه نیاز شدیدی برای اجرای سیاستهای پولی نیست لکن برای کنترل متغیرهای اساسی که در پی بحرانهای مختلف پولی، مالی و خارجی به وجود می‌آید بایستی بانک

مرکزی مجهز به ابزارهای لازم و کافی باشد بر این اساس لازم است نظام جایگزین بهره قابلیت لازم و کافی در اعطای ابزارهای مناسب سیاست پولی را داشته باشد. و به همین جهت است در تحلیل رابطه حقوقی بانک با سپرده‌گذاران بلند مدت معتقدیم رابطه حقوقی ((وکالت)) توانایی لازم برای این منظور را ندارد.

تذکر

شایان ذکر است اصول یاد شده همیشه همسو و هم جهت نمی‌باشند، حتی در بانکداری سنتی که قدمت چند صد ساله دارد اقتصاددانان و نظریه پردازان پول و بانکداری نتوانسته‌اند شیوه‌ای اتخاذ کنند که اصول مذکور را همزمان تحقق بخشند^{۲۲}

بنابراین نمی‌توان انتظار داشت نظام جایگزین بهره نیز از همان شروع کار همه اصول و معیارها را همزمان تحقق بخشد بلکه مقصود این است که محققین محترم و صاحب‌نظران پول و بانکداری اسلامی به دقت و اهمیت موضوع متوجه بوده ابعاد مختلف مسأله را مد نظر قرار داده تا حد امکان الگوی جامعی ارائه دهند و به تدریج با طرح مباحث نظری و آزمون تجربه عملی در غنا و تکامل آن قدم بردارند و در این مسأله باید توجه داشت که اصل سوددهی و اصل اجتناب از حقیقت بهره اصول محوری است که قطعاً

بایستی عمل شود چرا که خدشه‌دار شدن اولی بانک را تبدیل به یک مؤسسه خیریه می‌کند و کوتاهی در دومی نظام بهره را مجدداً احیا می‌کند اما اصول پنج گانه دیگر اموری نسبی است که می‌توان از حداقل مورد قبول شروع کرده به تکامل آن همت گماشت.

پی‌نوشت‌ها

- * عضو هیأت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱- امام صادق (ع) می‌فرماید: اصلاح المال من الایمان وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۰
 - ۲- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: من المروه اصلاح المال وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۴
 - ۳- امام صادق (ع) می‌فرماید: علیک باصلاح المال فان فیه منبئه لکریم و استغناء عن اللثیم وسایل الشیعه ج ۲ ص ۴۰
 - ۴- امام صادق (ع) می‌فرماید: ما یخلف الرجل بعده شیئاً اشد من المال الصامت وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۴
 - ۵- وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۵۲۱ حدیث ۱
 - ۶- وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۶ حدیث ۱
 - ۷- مجموعه سخنرانیها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی آیت الله سید محمد بجنوردی ص ۲۹ به بعد
 - ۸- این نظریه در کتاب ((بانک اسلامی) شهید آیت الله محمدباقر صدر مطرح شده است بانک اسلامی ترجمه خنجی ص ۱۱۸
 - ۹- امروزه مهمترین ابزار برای تحقیق اصل نقدینگی در معاملات بانکی کشورهای پیشرفته استفاده از گواهیهای سپرده انتقال پذیر است در این بانکها مراجعات مشتریان را به بازار ثانوی منتقل کرده برای خود سرمایه‌های باثباتی تدارک می‌بینند.
 - ۱۰- این نظریه در کلام آیت الله شهید دکتر بهشتی آمده است ربا در اسلام دکتر بهشتی ص ۱۱۲-۱۱۳
 - ۱۱- این نظریه توسط دکتر مهدوی ارایه شده است مجموعه سخنرانیها و مقالات ششمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۶۹ به بعد
 - ۱۲- مجموعه سخنرانیها و مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۰۳
 - ۱۳- مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی ص ۷۱
 - ۱۴- معضل پول ((هلموت کرویتس)) ص ۲۷۴
 - ۱۵- سوره بقره آیه ۲۷۹ ((و ان تبتم فلکم رووس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون))
 - ۱۶- امام جواد (ع) می‌فرماید: ((السحت الربا)) وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۲۷ حدیث ۲۰
 - ۱۷- وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۲۵ حدیث، امام رضا (ع) در حدیث طولانی ربا را اکل مال به باطل می‌دانند
 - ۱۸- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: ((شر المکاسب کسب الربا)) وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۲۶ حدیث ۱۳
 - ۱۹- امام باقر (ع) می‌فرماید: ((اخبث المکاسب کسب الربا)) وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۲۳ حدیث ۲
 - ۲۰- قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۷۸
 - ۲۱- وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۴۳۰ حدیث ۱ تا ۴
 - ۲۲- چون غیر از اصل «اجتناب از حقیقت بهره» بقیه اصول برای بانکداری سنتی نیز مطرح است.

